



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان با توفیق پروردگار متعال در امر به معروف و نهی از منکر بود، در باب اهمیت این موضوع مطالبی را بیان کردیم و اما در نهج البلاغه نیز اینطور ذکر شده است: ﴿وَمَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، إِلَّا كَنْفَتُهُ فِي بَحْرِ الْحَيِّ، وَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَا يُقَرَّبَانِ مِنْ أَجَلٍ، وَلَا يَنْقُصَانِ مِنْ رِزْقٍ، وَأَفْضَلُ مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ﴾^۱.

وزن اعمال یکی از بحثهای مهم می باشد زیرا همه اعمال در یک رتبه نیستند مثلاً پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده: "لاتنظروا إلى كثرة صلاتكم وصومهم وكثرة الحج والمعروف وطنطنتهم بالليل، ولكن انظروا إلى صدق الحديث وأداء الأمانة".

چند داستان و قصه درباره امر به معروف و نهی از منکر در قرآن وجود دارد، اول در سوره مائده در مورد یهود اینطور ذکر شده: ﴿وَإِسَاءُهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرْعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ ۚ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾^۲، خداوند متعال از باب امتحان برای یهود مقرر کرده بود که در روز شنبه از دریا ماهی نگیرند، در روزهایی که ماهی گرفتن حلال بود ماهی های خیلی کمی به سطح آب می آمدند ولی در روز شنبه که حرام بود ماهی های فراوانی روی آب می آمدند، یهود آمدند و شبکه هایی در کنار دریا احداث کردند به صورتی که ماهی ها در

روز شنبه از طریق آن شبکه ها به حوض هائی که درست کرده بودند هدایت می شدند و دیگر نمی توانستند به دریا برگردند و بعد آنها در روز یکشنبه ماهی ها را می گرفتند، عده ای به آنها اعتراض می کردند و آن ها را نهی از منکر می کردند اما عده ای دیگر به آنها می گفتند شما به آنها کاری نداشته باشید و به حال خودشان رها کنید تا خداوند هلاک و عذابشان کند لذا در آیه بعد اینطور ذکر شده که: ﴿وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِيَّايَ رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَنْتَقُونَ﴾^۳، خلاصه به همین صورت کارشان ادامه داشت تا اینکه: ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾^۴، خداوند عذاب نازل کرد و آن طائفه ای که نهی از منکر کرده بودند نجات یافتند اما آنها ای که این حيله را بکار بردند و همچنین آتھائی که سکوت کردند و نهی از منکر نکردند هر دو از بین رفتند و هلاک شدند و بعد از چند روز آتھائی که عذاب شدند به شکل میمون درآمدند: ﴿فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ﴾^۵.

چند مطلب در مورد این آیات وجود دارد؛ اول اینکه در تفسیر صافی از امام سجاد علیه السلام نقل شده که اینها هشتاد و چند هزار نفر بوده اند و هفتاد هزار نفر آنها با همین حيله ماهی ها را صید می کردند و عده ای امر به معروف می کردند و عده ای دیگر سکوت می کردند و به ناهیان از منکر می گفتند شما چه کار دارید خداوند آنها را هلاک و عذاب خواهد کرد اما وقتی که عذاب آمد خداوند متعال فقط آن طائفه ای

^۱ سوره اعراف، آیه ۱۶۴.

^۲ سوره اعراف، آیه ۱۶۵.

^۳ سوره اعراف، آیه ۱۶۶.

^۴ نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۳۷۴، حکمت ۳۷۴.

^۵ سوره اعراف، آیه ۱۶۳.

که نمی از منکر کردند را نجات داد و بقیه هلاک شدند.

مطلب دوم اینکه آیت الله طباطبائی در تفسیر المیزان جلد ۸ صفحه ۲۹۹ مطالبی در این رابطه دارند، ایشان اولاً می فرمایند باید توجه داشت کسانی که می توانند نمی کنند اما در مقابل منکرات ساکت هستند در جرم با افراد گناه کار شریک هستند و این یکی از سنتهای الهی می باشد، یکی از موضوعات بسیار بسیار مهمی که در قرآن کریم بیان شده بحث سنتهای الهی می باشد یعنی همان طور که در این عالم در امور تکوینی مثل شب و روز بر اساس سنت الهی نظامی وجود دارد در امور تشریعی نیز بر اساس سنن الهی نظامی وجود دارد، خداوند متعال سنی دارد که می خواهد نشان بدهد حوادث عالم روی چه اساسی واقع می شوند مثلاً خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۶ و یا در جای دیگر ذکر شده: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾^۷ و یا مثلاً در مورد نصرت الهی آیات فراوانی داریم منتهی خداوند متعال می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾^۸ که تمام اینها سنتهای الهی هستند و آیات فراوانی در ذکر سنتهای الهی داریم فلذا آیت الله طباطبائی می فرماید عذاب و هلاکت کسانی که در مقابل منکرات سکوت می کنند نیز یکی از سنتهای الهی می باشد و حتی ایشان می فرماید وقتی جریان به جائی رسید که قرار شد حضرت موسی بنی اسرائیل را برای رهائی از چنگال فرعون از مصر بیرون ببرد و از

دریا عبور بدهد عده ای کاملاً با حضرت بودند اما عده ای دو دل بودند و گاهی این طرف و گاهی آن طرف بودند، وقتی به دریا رسیدند دیدند لشکر فرعون از پشت سر می آیند و در مقابل نیز دریاست که با اذن الهی دریا شکافته شد و راه باز شد و عبور کردند منتهی فرعونیان و آن عده ای که دو دل بودند و منتظر بودند تا ببینند چه خواهد شد با هم غرق شدند یعنی فقط کسانی نجات پیدا کردند که با حضرت موسی بودند. ایشان در ادامه می فرمایند خداوند متعال دو جور سنت دارد؛ اول سنتهایی که مربوط به اجتماع هستند که با تأکید می فرماید قابل تغییر نیستند: ﴿سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾^۹، خلاصه ایشان می فرماید علم به سنن الهی اعظم علوم است که بشر را در زندگی اجتماعی کمک فراوان می کند.

گاهی خداوند متعال در امور فردی و جزئی سنت دارد اما در امور اجتماعی ندارد مثلاً می فرماید: ﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ﴾^{۱۰} که به امر خداوند آتش سرد می شود و یا به امر او کارد کردن حضرت اسماعیل را نمی برد و یا مثلاً به امر الهی از عصا ازدها بوجود می آید خلاصه ممکن است در امور فردی سنتهای الهی تغییر کند اما در امور اجتماعی اینطور نیست و خداوند متعال با تأکید فراوان فرموده سنتهای من غیر قابل تغییر هستند آن ها را بیاموزید. بقیه بحث بماند برای بعد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی

محمد و آله الطاهیرین

^۶ سوره اعراف، آیه ۹۶.

^۷ سوره رعد، آیه ۱۱.

^۸ سوره محمد، آیه ۷.

^۹ سوره احزاب، آیه ۶۳.

^{۱۰} سوره انبیاء، آیه ۶۹.